

میدون و سوفیا

یک تریلیون و ۳۸۱ میلیارد چی؟



پوریا عالمی

● دریافتی هشت‌ماهه امسال صدوسیمای از خزانه، یک تریلیون و ۳۸۱ میلیارد تومان اعلام شده است. همچنین صدوسیمای از ابتدای سال تا پایان آبان‌ماه بیش از هزار و ۳۸۰ میلیارد تومان اعتبار از دولت دریافت کرده است. (همشهری) در مسابقات داخلی مثل دارپی، قبل از شروع بازی، ثانیه‌ای ۶۹ میلیون تومان و بین دو نیمه ثانیه‌ای ۱۳۹ میلیون تومان هزینه پخش آگهی از تلویزیون است.

درواقع درآمد حاصل از تبلیغات هر بازی برای صدوسیمای، ۱۶ میلیارد تومان و سالانه ۴۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود.

برخلاف کشورهای اروپایی و آسیایی که بخش زیادی از درآمدهای تبلیغ تلویزیونی نصیب باشگاه‌های می‌شود، در ایران بیشتر این درآمد متعلق به صدوسیماست. (قانون)

حالا اینکه رئیس سابق صدوسیمای (با اسم مستعار ضرغامی، از) در اینستاگرامش یک‌طوری دارد حرف می‌زند که انگار همین دو ساعت پیش از مریخ آمده ایران و نمی‌داند چرا وضعیت جامعه این‌طوری است، بماند.

اما چندتا چیز مشخص است:

- صدوسیمای یک تریلیون و ۳۸۱ میلیارد تومان و هزار و ۳۸۰ میلیارد تومان اعتبار در مدت هشت‌ماه از دولت گرفته، نوش جانش.

- اگر من هم می‌توانستم یک تریلیون و ۳۸۱ میلیارد تومان و هزار و ۳۸۰ میلیارد تومان اعتبار بگیرم و هیچ کاری نکنم و بعد شاکی باشم چرا مردم می‌روند ماهواره نگاه می‌کنند؟ و برای همین هم یک بودجه اضافه می‌گرفتم! بعد شاکی باشم چرا مردم می‌روند تلگرام چک می‌کنند و برای همین هم یک بودجه اضافه می‌گرفتم که پیام‌رسان داخلی هسوا کنم! باور کنید حتما همین‌کار را می‌کردم. کجای دنیا یک تریلیون و ۳۸۱ میلیارد تومان (هزار و ۳۸۰ میلیارد اعتبارش بماند) مثل هلو می‌گذارند توی گلولی آدم و طرف هم همیشه شاکی است؟

- اوج برنامه‌های تلویزیون (این اوج با آن اوج که بودجه جدا دارد قاطی نشود!) این است که سالی یک ماه یک مجری‌اش می‌آید لشک مردم را درمی‌آورد و هفته‌ای یک‌بار یک مجری‌اش نود را اجرا می‌کند، همه اینها هم اصرار دارند مردم عدد دو را اس‌ام‌اس کنند به تلویزیون که پول اس‌ام‌اس هم برود توی کیسه؛ یعنی با آن همه بودجه به همان ۸۰ تا تک‌تومانی ملت هم چشم دارند! بعد هم جایزه چی می‌دهند؟ ساعت دیواری!

- هم آقای ضرغامی (که با صدسال سابقه مدیریتی در کشور، الان یک اینفلوئنسر اینستاگرامی است) و هم آقای لاریجانی، هر دو رئیس صدوسیمای بودند و هر دو هرروز طوری حرف می‌زنند و شاکی هستند که چرا وضعیت مملکت این است که یکی ندانند، فکر می‌کند فرمان دست‌بنده بوده و چپ‌کردم. اگر چنین شایبه‌ای وجود دارد بنده رسماً از همه اساتید عذر می‌خواهم.

جمع‌بندی

سوفیای... عشقم... دارم لحظه‌شماری می‌کنم، هم آقای ضرغامی، هم آقای لاریجانی، کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ بشوند و با هم منظره کنند بلکه ما بفهمیم این تحقیق‌وتفحص چی شد و چطوری می‌شود که چنین بودجه‌ای بیاید توی تلویزیون و فقط برفک تولید کند؟ اگر این پول را می‌ریختیم توی کویر لوت، الان کویر شمال شده بود و عشق‌وحال.

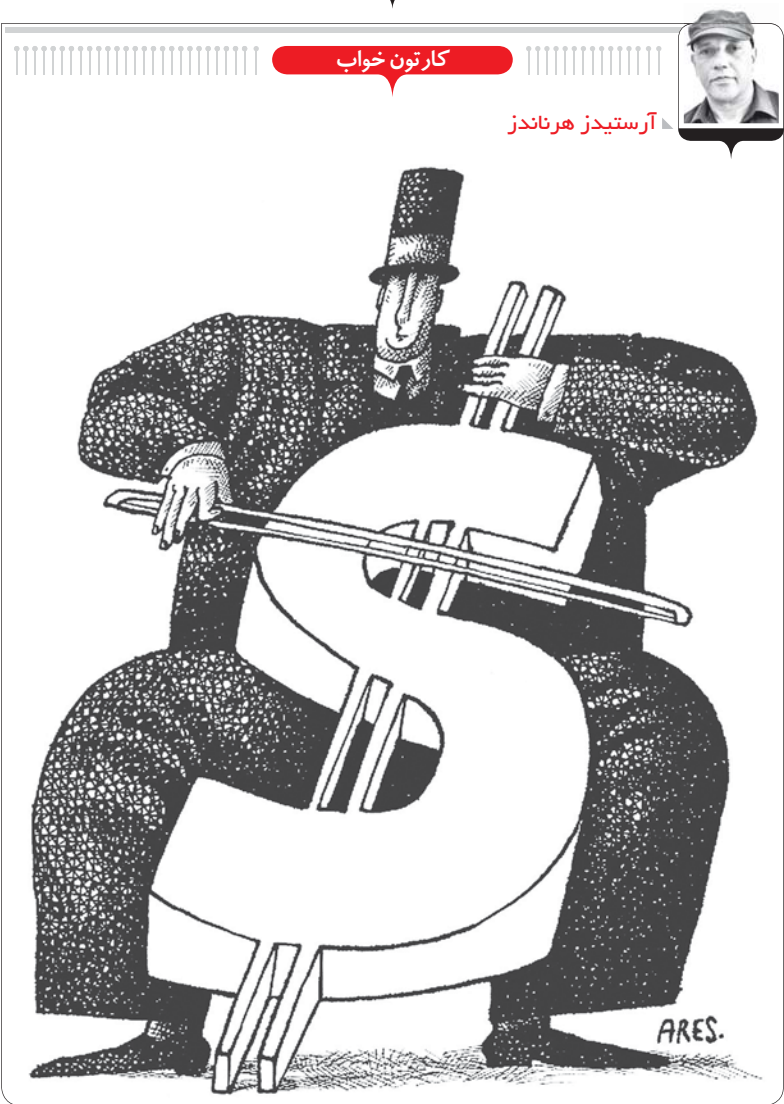
عاشق چشم‌انتظار ۱۴۰۰ تود، میدون دوم

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۷ • ۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ • ۱۵ دسامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۱۶ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۹ • اذان مغرب ۱۷:۱۲ • اذان صبح فردا ۵:۲۷ • طلوع آفتاب ۷:۰۷

روزنفرها



تجربه دیگران

موتورشویی در کابل

حسین احمدی در روزنامه افغانستان درباره وضعیت سخت کار و تحصیل کودکان افغان مطلبی را منتشر کرده که بخشی از آن را می‌خوانیم. طبق تازه‌ترین گزارش وزارت کار و امور اجتماعی افغانستان، ۳۰۷ میلیون کودک در افغانستان از آموزش محرومند و مشغول کارهای سخت هستند. شاید برای بسیاری‌ها این فقط یک عدد، شبیه اعدادی باشد که برای شمارش بودجه‌هایی به کار می‌رود. عددی که باید برای این کودکان زمینه آموزش و کار فراهم شود؛ اما واقعیت‌های هولناکی پشت این اعداد نهفته است؛ یک هفته پیش گفت‌وگویی داشتم با وزیر امور مهاجران کشور که برای رسیدگی به مشکلات مهاجران از مبالغ زیادی کمک‌های مالی نهادهای بین‌المللی یاد کرد؛ اما در متن جامعه روند زندگی این مردم به سوی سراسیمگی سقوط جریان دارد. این روزها گزارش‌هایی از ولایت فاریاب منتشر شده که چندین کودک به خاطر سوءتغذیه جان باخته‌اند. درباره کودکان کار نیز واقعیت تلخ و ناگواری است که اکثراً میزان بالای فقر، بی‌کاری و محرومیت کودکان از آموزش را به نمایش می‌گذارد. پامیر یکی از آنهاست.طبق یک قرارداد نانوشته، هر روز پیش از آنکه نور خورشید به افق بتابد، پامیر ۱۷ساله

با دغای خیر مادرش از دروازه حویلی بدرقه می‌شود و به محل کارش می‌رود و پس از غروب خورشید با مبلغ اندکی پول به خانه برمی‌گردد. موتورشویی با آب جویچه‌های شهرد؛ کاری که محل ثابت هم ندارد. در اتنایی که پامیر داشت با سطل آب جویچه را روی موتور می‌ریخت. نورالحق را دیدم. سربه‌زیری بود و به کفش‌های ترکیده‌اش نگریسته به پامیر التماس می‌کرد که حداقل برای یک روز او را به کار بگذارد؛ اما نه‌تنها پامیر؛ بلکه خیلی‌های دیگر نیز او را نمی‌پذیرفتند. در همین اثنا جوانی با لباس عادی از آن سوی جاده آمد، وقتی نزدیک پامیر رسید، سه سلی پشت‌سرم به صورت نورالحق کوبید و او را دور کرد، بعد دست پامیر را کشان‌کشان به سوی پاسگاه امنیتی پلیس در ورودی باغ برد و پامیر با کفش و لباس خیس می‌دوید تا خود را با او همگام کند. صدای پامیر در میان آژیر موتورها گم شد، از همان اول هی تکرار می‌کرد که «مه دیروز نبودم، خبر ندارم». با تاکسی‌ران که موتورش را به پامیر سپرده بود تا بشوید، هم‌صحبت شدیم و او شکایت کرد که «مامور امنیتی این بچه را برد تا ازش پول بگیره. کرنه می‌زنه و به کار نمی‌مانه. ماموران دولتی حق و ناحق از مردم پول می‌گیره خودشان می‌خوره حتا به دولت هم نمی‌رسه...».



پدرا ام سلطانی

نایب‌رئیس اتاق بازرگانی

با توجه به چالش‌های سیاسی و امنیتی روزافزون در منطقه ما و همچنین در دیگر مناطق دنیا، چالش‌های عموماً برخاسته از تفاوت‌ها در رویکرد دولت‌های کشورهای همسایه و در راهبردهایی که این دولت‌ها طراحی می‌کنند، به نظر می‌رسد زمان آن رسیده است که دو نیروی مهم و مؤثر هر جامعه به غیر از دولت، یعنی جامعه مدنی و بخش خصوصی، کنشگری خود را برای برگرداندن صلح و ثبات به روابط بین‌الملل و به منطقه خودشان بیشتر کنند و عملاً در این زمینه نقش مؤثری برعهده بگیرند. هرگونه بی‌ثباتی، تنش و نبود صلح در منطقه، طبیعتاً به اقتصاد و بخش خصوصی و از سوی دیگر شهروندان و جامعه مدنی آسیب بسیار می‌زند؛ بنابراین کسانی که از رویکرد دولت‌ها درباره مسائل منطقه‌ای متأثر هستند، حق این را نیز دارند که در چارچوب نقش و کارکرد تعریف‌شده و طبیعی خود در عرصه جامعه و از ابزارهای در اختیارشان استفاده کنند تا بتوانند در مسائل مهم بین‌المللی و چالش‌های جهانی اثرگذار باشند. صلح یکی از عواملی است که نبود آن یا ناپایداربودنش ممکن است حوزه اقتصاد و دیگر ابعاد یک جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و آنها را از حرکت مؤثر و مفید باز بدارد.

با درنظرگرفتن این موضوع، ما در اتاق بازرگانی ایران تصمیم گرفتیم از ظرفیت رفت‌وآمد، ارتباطات، تعاملات و نشست و برخاست‌هایمان با اتاق‌های بازرگانی منطقه و جهان در راستای تثبیت و جانداختن کنشگری بخش خصوصی و اتاق‌های بازرگانی در زمینه صلح استفاده کنیم. طبیعتاً برای اینکه بتوانیم این موضوع را جا بیندازیم و به یک حرکت مؤثر در سطح جهان تبدیل کنیم، باید به ریشه‌های نقش و اثر اتاق‌های بازرگانی در طول تاریخ در حوزه صلح بپردازیم. براساس مطالعه زمینه‌ای و مقدماتی که

اتفاق

عربستان؛ دومین زندان روزنامه‌نگاران جهان

طبق گزارش کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران بیش از ۲۵۱ روزنامه‌نگار زندانی هستند. چین، مصر و عربستان بیشترین تعداد زندانی را دارند و ترکیه برای سومین سال متوالی به دلیل وجود حداقل ۶۸ روزنامه‌نگار زندانی به‌عنوان بدترین زندان‌ها برای روزنامه‌نگاران انتخاب شد. طبق این آمار که تا اول دسامبر ۲۰۱۸ به‌روزرسانی شده است، نشان می‌دهند که ۷۱ درصد از روزنامه‌نگاران به اتهام اقدام علیه دولت‌ها و ۲۸ نفر به دلیل آنچه «انتشار خبرهای دروغ» عنوان می‌شود، محکوم شده‌اند. ۹۸ درصد از روزنامه‌نگاران زندانی از سوی دولت‌های خود بازداشت شده‌اند. تعداد روزنامه‌نگاران زن به ۳۳ نفر افزایش یافته که چهار نفر آنها در عربستان هستند. در چین هم به دلیل سختگیری علیه مسلمانان ساکن این کشور اقلیت قومی اویغور تعداد زندانی‌ها افزایش یافته و به ۴۷ نفر رسیده است. عبدالفتاح سیسی نیز با دستگیری روزنامه‌نگاران برای خود رکوردی را به جا گذاشته است و حدود ۲۵ روزنامه‌نگار زندانی در این کشور وجود دارد. هرچند در آمریکا روزنامه‌نگاری زندانی نیست؛ اما هفت نفر از روزنامه‌نگاران که از کشورهای دیگر به آمریکا مهاجرت کرده‌اند، در اداره مهاجرت، فرودگاه و گمرک ساعت‌ها و روزها بازجویی شده‌اند. ونوتلا با سه زندانی بزرگ‌ترین زندان روزنامه‌نگاران در قاره امریکاست.

۳۰ درصد روزنامه‌نگاران آزاد در بین زندانی‌شده‌های جهان هستند. جوتل سیمون، مدیر اجرایی کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران، گفته است: «تجاوز به حقوق روزنامه‌نگاران همچون نشانه‌ای از کاهش نشان

نمی‌دهد. تمام این هزینه‌ها بر دوش کسانی است که به گردش خبرها و اطلاعات علاقه دارند». این آمار متعلق به زندان‌های دولتی است و چند روزنامه‌نگار بازداشت‌شده در بین با بازداشت یک روزنامه‌نگار اوکراینی به دست جدایی‌طلبان طرفدار روسیه را در بر نمی‌گیرد و این پنج نفر به‌عنوان گم‌شده یا ربوده‌شده در آمار دست‌بندی شده‌اند.

همچنین بعد از قتل جمال خاشقجی در دوم اکتبر چند روزنامه‌نگار دیگر نیز در جهان کشته شده‌اند؛ مانند محمدسالم انگار در ۱۸ اکتبر در افغانستان، عبدالله میرهشی در ۲۷ اکتبر در سومالی و آکویتنا ساهو در ۳۰ اکتبر در هندوستان. CPJ (کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران) در سال ۱۹۸۱ در نیویورک با هدف دستیابی به اصل «لزوم مطبوعات آزاد برای رشد جوامع مدنی» پایه‌گذاری شده و معتقد است که روزنامه‌نگاران نباید برای انجام کار خود زندانی شوند. در سال گذشته حمایت این کمیته منجر به آزادی حداقل ۷۹ خبرنگار زندانی در سراسر جهان شد.

یاد

بزرگداشت احمدرضا دالوند



مراسم ختم زنده‌یاد احمدرضا دالوند، پنجشنبه، ۲۲ آذر، از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۵ تا مجتمع فرهنگی پیامبر اعظم (باشگاه پیام) در خیابان شریعتی، نرسیده به پل سیدخندان، روبه‌روی پارک اندیشه با حضور دوستان و نزدیکان برگزار شد. همچنین مراسم بزرگداشت او نیز روز شنبه، ۲۴ آذر، ساعت پنج بعدازظهر در مؤسسه بهاران در خیابان ولیعصر، بالاتر از زرتشت، کوچه نوریخش برگزار می‌شود. مراسم بزرگداشتی نیز روز دوشنبه، ۲۶ آذر، در خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد. احمدرضا دالوند از هنرمندان و گرافیست‌های شناخته‌شده مطبوعات است که سالیان‌سال فعالیت داشت و آثار ماندگاری را خلق کرد. مراسم تشییع پیکر او سه‌شنبه صبح در خانه هنرمندان ایران برگزار شد. پس از مراسم تشییع، پیکر او به بهشت‌زهار منتقل و در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد.

سلام به فردا

کنشگری بخش خصوصی برای صلح

بخش خصوصی نیز با شعار و مفهوم صلح شکل گرفت. این سوابق در تاریخ اتاق‌های بازرگانی -که مطالعات بیشتر حتماً تعداد بیشتری هم آشکار خواهد شد- نشان می‌دهد چنین تلاش‌هایی در مواقع خاص و به‌ویژه در تاریخ برخی کشورها و همین‌طور به صورت مشترک در کشورهای همسایه وجود داشته است؛ بنابراین این کارهای موردی و مقطعی سرمایه خوبی است برای ایجاد یک پویش و حرکت مستمر و مشترک و گسترده‌تر، متشکل از تعداد زیادی از اتاق‌های بازرگانی در سراسر دنیا برای توجه به موضوع صلح و برای نزدیک‌ترکردن نظرهای بخش خصوصی در میان کشورهایی که احیاناً با هم چالش‌های سیاسی یا نظامی دارند و بهره‌گرفتن از ظرفیت آنها در تعامل و در مذاکره با دولت‌ها یا در ایجاد راهکارهای موازی یا خلاقانه در رسیدن به یک تفاهم و راهکارهای مورد قبول این کشورها برای اثبات و تقویت صلح. موارد یادشده طبیعتاً با تفصیل بیشتر و با بهره‌گرفتن از مطالعه‌ای که ما درباره نسل‌بندی اتاق‌های بازرگانی انجام داده بودیم، همراه گذشته در قالب یک پیشنهاد در جلسه شورای عمومی فدراسیون جهانی اتاق‌های بازرگانی در دویی ارائه شد و خوشبختانه مورد توجه و استقبال نمایندگان حاضر از اتاق‌های بازرگانی سراسر جهان قرار گرفت. با توجه به اینکه قرار است کنگره دوسالانه اتاق‌های بازرگانی جهان سال آینده در کشور برزیل برگزار شود، مقرر شد که این بحث در آنجا به طور گسترده‌تری براساس گزارش‌ها و مستنداتی که اتاق‌های بازرگانی در آمریکا تولید کرده بودند، نشان می‌داد حتی در آن کشور از قرن هجدهم تا قرن بیستم حداقل ۱۱ مورد ثبت‌شده و مستند حاکی از ورود اتاق‌های بازرگانی به موضوع صلح به طرفداری و حمایت از حفظ صلح و تقویت صلح وجود داشته است.

از سوی دیگر اتاق بازرگانی بین‌المللی که در سال ۱۹۱۹ در پاریس به وجود آمد، عملاً با گردهم‌آمدن تعدادی از تجار و صاحبان صنایع وقت از کشورهای مختلف و تحت یک شعار و یک اعتقاد واحد به نام «بازرگانان صلح» پایه‌گذاری شد و این نهاد بین‌المللی

چند پرسش

ساقه‌طلایی‌های دردسرساز

چندی پیش یکی از افراد شناخته‌شده، خیلی تصادفی دریافت که اندازه بیسکویت‌های ساقه‌طلایی در حال کاهش هستند، آن هم در یک دوره کوتاه؛ همان دوران کوتاه مشهور که قیمت‌ها سر به فلک کشیده بود و همه‌چیز روزانه گران می‌شد.

او عکسی از این تغییر اندازه که نشان‌دهنده کاهش تعداد بیسکویت‌ها بود، منتشر و به این نکته به‌عنوان عدم مدیریت اشاره کرد. این‌طور که معلوم است قرار است از او شکایت شود. در خبری که روزنامه جوان، سیات مشرق و... به نقل از اکونومیز منتشر کرده‌اند و متعلق به چند روز گذشته است، از زبان مدیرعامل گروه صنعتی مینو اعلام شده است «با افرادی که علیه «ساقه‌طلایی» سیاه‌نمایی می‌کنند، برخورد می‌کنیم» و تأکید شده «به‌زودی کسانی را که به این برند ملی ضربه زده‌اند به دادگاه خواهیم کشاند!» در متن این خبر آمده است که دکتر علیرضا عباسیانفر با انتقاد از رفتار زشت برخی افراد در تلاش برای تخریب ساقه‌طلایی گفته: «ملاک فروش ساقه‌طلایی وزن است که روی لفاف درج شده که ۲۰۰ گرم باید باشد و استوانه لفاف طراحی‌شده نیز بعد از پرسدن از محصول همین میزان را با انحراف پنج درصد بیش‌تر یا کمتر نشان می‌دهد و هرکس یک بسته ساقه‌طلایی کمتر از وزن اعلام‌شده تحول دهد، به او جایزه خواهیم داد». او با بیان این مطلب که از خردادماه امسال این محصول با رشد تولید نسبت به قبل روبه‌رو بوده است، گفت: «ساقه‌طلایی محصولی است که رکورددار تولید بیسکویت ایران است و همین افزایش تولید و تثبیت جایگاه فروش باعث شده که برخی‌ها به دنبال تخریب باشند».

او ادامه داد: «سال‌هاست که وزن بیسکویت ساقه‌طلایی روی آن نوشته شده و هیچ‌گاه تغییر نکرده است. وزن ساقه طلایی ۵٪ + ۲۰۰ گرم است. هر چندوقت یک‌بار همه‌ای علیه این‌س برند برتر ملی انجام می‌شود».

مدیرعامل گروه صنعتی مینو اظهار کرد: «حجم تولید روزانه ساقه‌طلایی شاید بیشتر از تولید یک یا دو هفته محصول بیسکویت برخی شرکت‌ها باشد و حال که مردم خواهان این محصول هستند متأسفانه برخی چشم دیدن موفقیت

روزافزون در محصول را ندارند».

دکتر عباسیانفر در ارتباط با طرح شکایت از برخی افراد که در حال سیاه‌نمایی نسبت به این محصول استراتژیک مینو هستند، گفت: «در دادسرای فرهنگ و رسانه طرح دعوا شده و پلیس فتا در حال تکمیل تحقیقات است و به‌زودی تمام کسانی را که با جعل تصویر و سیاه‌نمایی به صورت عمدی یا سهوی در حال ضربه‌زدن به این برند ملی هستند به دادگاه خواهیم کشاند».

دربارۀ این گفته‌ها غیر از تعجب و حیرت احساس دیگری نمی‌توان داشت، چراکه مثلاً تصور کنید در حکم محکومیت بزنند سیاه‌نمایی علیه بیسکویت ساقه‌طلایی! اما سوال این است که آیا واقعاً این‌گونه سخن‌گفتن از سوی یک مدیر درست است؟ با یک انتقاد ساده چرا باید این‌گونه رفتار شود؟ واقعاً تنها راه، تهدید و پرونده‌سازی است؟ البته شاید روابطعمومی این سازمان و این مسئول معتقد باشند تنها راه شنیدن صدایشان، شکایت باشد.

متن او را که ببینید از تغییر اندازه چهار بسته ساقه‌طلایی که در فاصله دو هفته خریداری شده آغاز می‌شود. همچنین نویسنده به بی‌نظمی‌ای اشاره دارد که به کم‌پویازشدن تعداد در بسته‌های مختلف منجر شده است.

راستی اگر نویسنده مطلب الان این ساقه‌طلایی‌های متفاوت در اندازه را داشت، می‌توانست جایزه وعده‌داده‌شده را دریافت کند؟

البته در تماس با کسی که اولین‌بار این عکس را منتشر کرد متوجه شدیم هنوز ابلاغیه‌ای در دستش نرسیده است.

